

سرگذشت خفت‌بار آقای دیکتاتور

۵ مرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۲۸

رضاشاه نه در دوربان ونه در ژوهانسبورگ استقبال کننده‌ای نداشت و در ژوهانسبورگ مانند مسافران عادی ابتدا در یک مسافرخانه اقامت کرد سپس در منزل یک یهودی اسکان یافت. یک سال بعد اشرف پهلوی نیز سفر ۴۰ روزه‌ای به ژوهانسبورگ به عمل آورد و هنگام بازگشت دو تن دیگر از برادرانش را با خود برد

روز ۴ مرداد ۱۳۲۳ رضاشاه پهلوی سه سال پس از سرنگون شدن حکومتش، در تبعیدگاه خود ژوهانسبورگ، در سن ۶۰سالگی درگذشت.

ماه مرداد، ماه مرگ شاهان سلسله پهلوی است. رضاخان پهلوی در ۴ مرداد ۱۳۲۳ و فرزندش محمدرضا در ۵ مرداد ۱۳۵۹ چشم از جهان فروبستند. هر دو در دیار غربت و هر دو در ادامه یک رشته مسافرت‌های اجباری و خارج از اراده خود جان سپردند. هر دو به هنگام خروج از کشور مطرود مردم خود بودند. هر دو به هنگام مرگ، بیمار بوده و تنها یکی دو نفر انگشت شمار از بستگان درجه اول خود بر بالین مرگ آنان حضور داشتند. سفر هر دو بدون بازگشت بود و هر دو در قاره آفریقا جان باختند یکی در شمال آفریقا در قاهره و دیگری در جنوب این قاره در ژوهانسبورگ. جنازه هر دو نیز در مصر و در مسجد زیدالرفاعی به خاک سپرده شد.

محمدرضا پهلوی در دی ماه ۱۳۵۷ از ایران به طرف مصر گریخت و از آنجا به ترتیب به مراکش، باهاما، مکزیک، آمریکا و پاناما رفت سپس به دلیل تشدید بیماری به قاهره بازگشت و در آنجا در پی ۳۷ سال سلطنت و ۱۸ ماه دربه‌دوری در سن ۶۱ سالگی درگذشت. مقاله زیر نیز سرگذشت رضاشاه پس از خروج ناچاریش از ایران تشریح می‌کند. رضاشاه نیز پس از خروج از کشور در شهریور ۱۳۲۰ به ترتیب به بمبئی، موریس، دوربان و ژوهانسبورگ رفت و در آنجا در پی سه سال دربه‌دوری در سن ۶۷ سالگی درگذشت.

ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ در کشاکش جنگ دوم جهانی به اشغال نظامیان متفقین درآمد. رضاشاه روز ۲۵ همان ماه ناچار شد از مقام خود استعفا دهد. در فردای همین روز محمدرضا پهلوی در جمع نمایندگان مجلس و در حالی که ایران به اشغال متفقین درآمده بود، سوگند یاد کرد.

وقتی استعفا نامه رضاشاه در مجلس خوانده می‌شد، او در راه اصفهان بود تا به جمع خانواده‌اش که یک روز قبل منتقل شده بودند بپیوندند. اعضای خانواده سلطنتی که روز ۲۴ شهریور به اصفهان رفته بودند عبارت بودند از: ملکه عصمت همسر، شمس و فاطمه دختران رضاشاه و همچنین علیرضا، عبدالرضا، غلامرضا و حمیدرضا پسران شاه و نیز فریدون جم پسر وزیر دربار و شوهر شمس پهلوی.

رضاشاه و خانواده‌اش در ساعات شب ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ وارد اصفهان شدند و در منزل سرتیپ شعری فرمانده پادگان این شهر مستقر شدند. فردای آن روز (۲۶ شهریور) آنان رهسپار منزل کارونی از ثروتمندان شهر که از مریدان شاه بود شدند.

پس از چند روز توقف در این مکان در روز ۳۰ شهریور وارد یزد شدند و در منزل هراتی و همچنین سرهنگ پاشا مبشر اقامت کردند. در روز ۳۱ شهریور رضاشاه و همراهان وارد رفسنجان شدند و ناهار را در این شهر خوردند و سپس به سوی کرمان به راه افتادند. آنان به منزل ابوالقاسم هرنیدی از خان‌های شهر وارد شدند. در این شهر رضاشاه به بیماری عفونی گوش درد مبتلا شد و خواست چند روز اقامت کند ولی با مخالفت کنسول انگلیس که اصرار داشت وی و همراهانش هر چه سریعتر از کشور خارج شوند مواجه شد. رضاشاه با عصبانیت خطاب به کنسول انگلیس گفت «کجا بروم، من حتی ۵ ریال پول در جیبم ندارم.» کنسول گفت نگران نباشید همه مخارج سفر شما تأمین شده و بعداً از پسران وصول خواهد شد. رضاشاه مایل بود حال که مجبور به خروج از کشور است در بمبئی چند هفته اقامت کند و سپس رهسپار آمریکای جنوبی شود. ولی وی نمی‌دانست که در انتخاب مقصد مسافرت خود نیز اختیاری ندارد.

شاه و همراهان پس از ۴ روز اقامت در کرمان، به ناچار عصر روز چهارم مهر به طرف بندرعباس حرکت کردند. شب را در سیرجان ماندند و ظهر روز بعد در دهکده حاجی‌آباد ناهار خوردند و در ساعات شب به بندرعباس رسیدند. رضاشاه شب را در یکی از ساختمانهای ارتش به سر برد ولی به خانواده‌اش گفت در کشتی مسافربری انگلیس - هندی «بندرا» که قرار بود فردا آنان را به سوی بمبئی ببرد استراحت کنند. روز ۵ مهر رضاشاه لباس نظامی را به در آورد و برای اولین بار لباس شخصی به تن کرد و وارد کشتی شد. فریدون جم و سایر درباریان و همراهان غیر از خانواده رضاشاه در اینجا از وی جدا شدند و کشتی در ساعت ۸ صبح به سوی بندر بمبئی در هند به راه افتاد در داخل کشتی ارتباط رضاشاه و هیأت همراه با جهان خارج قطع شد.

کشتی «بندرا» که بسیار کند حرکت می‌کرد در روز ۹ مهر به ساحل بمبئی رسید. سپس یک انگلیسی به نام «کلرمونت اسکرین» که قبلاً سرکنسول بریتانیا در مشهد بود و به فارسی تسلط داشت وارد کشتی شد و به رضاشاه و همراهان خاطرنشان ساخت که حق خروج از کشتی را ندارند. تعدادی سرباز هندی نیز مراقب بودند که هیأت ایرانی از کشتی خارج نشوند. «کلرمونت اسکرین» به رضاشاه گفت شما چند روزی در کشتی خواهید ماند و سپس به جزیره موریس در جنوب شرقی قاره آفریقا منتقل خواهید شد.

رضاشاه عصبانی شد و به مأمور انگلیسی گفت: «مگر ما بازداشت شما هستیم. شما حق ندارید برای ما تعیین تکلیف کنید. در تهران به من گفته بودند که به هر کجا بخواهم می‌توانم بروم. چرا اجازه نمی‌دهید من به آمریکای جنوبی بروم و چرا مانع

«کلرمونت» در پاسخ فقط یک جمله گفت و آن اینکه «من اظهارات شما را تلگراف می‌کنم ولی فعلاً جز آنچه گفتم نمی‌توانم انجام دهم.»

هیأت ایرانی ۵ روز در هوای گرم و شرجی ساحل بمبئی در کشتی ماندند سپس در ۱۴ مهر با قایق به یک کشتی برمه‌ای منتقل شدند. این انتقال مقدمه ۹ روز اقیانوس پیمائی جدید بود. کشتی برمه‌ای در غروب ۱۴ مهر سینه آبها را شکافت و پس از ۹ روز در ۲۳ مهر به بندر پورت لوئی پایتخت جزیره موریس رسید. چند تاکسی، رضاشاه و هیأت همراهش را به اقامتگاه آنان در موریس رساندند.

از نهم بهمن ۱۳۲۰ که پیمان اتحاد ایران با روسیه و انگلستان در تهران به امضا رسید، رفتار انگلیسی‌ها با رضاشاه و همراهانش بهبود نسبی یافت. نامه‌هایی از تهران به دست آنان رسید و نامه‌های آنان به تهران ارسال گردید. مع‌الوصف میزبانان انگلیس درخواست رضاشاه برای انتقال به کانادا به دلیل بدی آب و هوای موریس را رد کردند.

در ۱۷ اسفند ۱۳۲۰، جمعی از همراهان رضاشاه از جمله شمس، فاطمه و حمیدرضا پهلوی و شماری از خدمه ایرانی به تعداد ۱۲ نفر موریس را با یک کشتی هلندی ترک کردند. این عده از موریس رهسپار دوربان شدند. سپس از آنجا جهت گردش چند روزه به ژوهانسبورگ رفتند و بازگشتند آنگاه با استفاده از یک کشتی نظامی انگلیس سواحل دوربان را به طرف بندر کنیائی مومباسا ترک کردند. کشتی ۱۰ روز بعد به مومباسا رسید. شمس پهلوی را به دلیل بیماری و تب شدید از هیأت ایرانی جدا کرده به هتلی بردند و اجازه خروج از آن به وی داده نشد. اولین روز نوروز ۱۳۲۱ در خانواده پهلوی اینگونه بود که رضاشاه و دو پسرش در موریس، فاطمه و دو برادرش در کشتی هلندی در آبهای مومباسا، شمس بیمار در هتلی در مرکز مومباسا و محمدرضا پهلوی و سایر اعضای خانواده در تهران بودند. در همان روز اول فروردین کشتی حامل همراهان شمس پهلوی بندر مومباسا را به طرف بندر بمبئی ترک کرد و از آنجا با قطار تا مرز ایران رفتند ولی شمس روز سوم فروردین با هواپیمای انگلیسی رهسپار قاهره شد و از آنجا توسط سفارت ایران به تهران منتقل گردید.

جزیره موریس بسیار بد آب و هوا بود و حال عمومی رضاشاه طی ۵ ماهی که در این جزیره اقامت داشت وخیم‌تر شد. رضا شاه که علاوه بر افسردگی، از بیماری قلب نیز رنج می‌برد روز ۷ فروردین ۱۳۲۱ به اتفاق دو فرزندش علیرضا و عبدالرضا و باقی مانده خدمه با یک کشتی باری مندرس که ۳۰۰ سرباز انگلیس را با خود حمل می‌کرد به بندر دوربان در آفریقای جنوبی منتقل شدند. آنان دو ماه در این شهر ماندند و سپس از آنجا با قطار به ژوهانسبورگ منتقل شدند. رضاشاه نه در دوربان و نه در ژوهانسبورگ استقبال کننده‌ای نداشت و در ژوهانسبورگ مانند مسافران عادی ابتدا در یک مسافرخانه اقامت کرد سپس در منزل یک یهودی اسکان یافت. یک سال بعد اشرف پهلوی نیز سفر ۴۰ روزه‌ای به ژوهانسبورگ به عمل آورد و هنگام بازگشت دو تن دیگر از برادرانش را با خود برد. در این صورت از مجموع هیأت همراه رضاشاه تنها غلامرضا، عبدالرضا و علیرضا پهلوی نزد وی باقی ماندند. رضاشاه در روز ۴ مرداد سال ۱۳۲۳ در پی یک حمله قلبی درگذشت. جنازه وی پس از مومیائی به قاهره انتقال یافت و تا

تکمیل مقبره وی در جنوب تهران به مدت ۶ ماه در مسجد زیدالرفاعی، جایی که ۳۶ سال بعد فرزندش محمدرضا نیز مدفون شد به خاک سپرده شد.

«ریچارد استوارت»، در آخرین روزهای رضاشاه، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی - کاوه بیات، نشر نو منبع: مشرق

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۱۱۰۳/دیکتاتور-آقای-چار-خفت-سرگذشت>